

تدوین الگوی مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی

راحله سادات موسوی اجاق^۱

سید اسدالله اطهری^۲

چکیده

پژوهش حاضر درصدد تدوین الگوی مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی است. از این منظر با استفاده از روش کیفی و انجام مصاحبه نیمه‌استاندارد با ۱۰ نفر از صاحب‌نظران رشته‌های مرتبط با موضوع که از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند (گام اول) و نمونه‌گیری نظری (گام دوم) انتخاب شده بودند، داده‌های پژوهش گردآوری گردید. به‌منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون و از نوع شبکه مضامین از طریق فرایند کدگذاری نظری استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که الگوی مطلوب سیاست‌گذاری متناسب با مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی از شش مضمون فراگیر شامل: ۱- اتخاذ رویکرد مناسب فرهنگی در سیاست‌گذاری خارجی ۲- تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی ۳- استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی ۴- تقویت زبان و ادبیات فارسی ۵- توجه به سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه‌ای و ۶- تقویت عناصر مشترک دینی با تکیه بر وجوه اخلاقی آن به اشباع نظری رسید. به‌منظور اعتبارسنجی مضامین و الگوی ساخته‌شده از روش ارزیابی به شیوه ارتباطی و نیز روش ممیزی و برای پایایی سنجی آن از روش قابلیت تکرارپذیری و نیز قابلیت انتقال یا تعمیم‌پذیری استفاده شده است.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری، مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی، ایران، آسیای مرکزی، اسلام‌گرایی افراطی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی - گرایش سیاست‌گذاری عمومی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الحیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران
mousavi.sra@gmail.com

۲. استاذ علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاجکستان، دانشگاه آزاد اسلامی تاجکستان (نویسنده مسئول)
athary.asadolah@yahoo.com

جستار گشایی

آسیای مرکزی علاوه بر اهمیت ژئوپلیتیکی (حافظنیا و دیگران، ۱۳۸۶) و انرژی خاصه نفت و گاز (Jaffe, Amy Myers 1998) دارای اهمیت فرهنگی نیز است. چراکه آسیای مرکزی در طول تاریخ، مهد فرهنگ‌های بزرگ بشری و گذرگاه اروپا به آسیا و بالعکس بوده و مورخین از آن به‌عنوان تمدن اسلام و سایر تمدن‌ها یاد کرده‌اند. از حیث فرهنگی این منطقه در محل برخورد و تقاطع فرهنگ‌های شرق و غرب، ازجمله فرهنگ ترکی و اسلامی-فارسی و از نظر تاریخی در مسیر جاده ابریشم، قرار گرفته است (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳-۹).

اما این اهمیت و برجستگی ژئوپلیتیکی و فرهنگی، منطقه آسیای مرکزی را با تهدیدات متعددی مواجهه نموده است یکی از این تهدیدات گسترش اسلام‌گرایی بنیادی است. واقعیت نیز این است که خلأ قدرت پس از فروپاشی شوروی، زمینه‌ای را برای گسترش تمایلات ملی‌گرایانه و قوم‌گرایانه به وجود آورد که خود پایه و اساسی برای شعله‌ور شدن نارضایتی‌های ریشه‌دار و آغاز حرکت‌های جدایی‌طلبانه شد (Hunter & Shireen, 2003: 272). این حرکت‌ها بر اثر ارتباط با کشورهای اسلامی خارج از منطقه ازجمله عربستان سعودی و سایر کشورهای خاورمیانه و اعزام تعداد زیادی مبلغ مسلمان به آسیای مرکزی و قفقاز شدت بیشتر به خود گرفت (کولایی، ۱۳۸۹: ۳۴۰). اسلام‌گرایان افراطی نیز با بهره‌گیری از شرایط موجود در منطقه و طرح شعارهایی همانند اعتقاد به خدا، پیروی اسلام رادیکال و سرکوب دشمنان از طریق جهاد، استفاده کرده و اعتقاد دارند که تنها حکومت اسلام رادیکال می‌تواند برای مردم عدالت ایجاد کند و همه مشکلات را حل نماید؛ بنابراین، اسلام‌گرایی افراطی خطر جدی برای منطقه تلقی می‌گردد و هم‌زمان با پیدایش کشورهای تازه استقلال‌یافته آسیای مرکزی برخی نظریه‌پردازان اعتقاد دارند که این منطقه موطن توسعه «ایدئولوژی پان‌اسلامیسم»، یا «اسلام افراطی»، خواهد شد. از سوی دیگر نیز گرایش به جرم و جنایت پس از فروپاشی شوروی و نهادهای وابسته به آن به شکل یک موج در تمام آسیای میانه ظاهر شد، موج اخیر جرم و جنایت در این منطقه رگه‌هایی از گفتمان افراطی مذهبی در خود دارد که پیش‌تر از این در قفقاز شمالی و به‌خصوص مناطقی چون تاتارستان ظاهر شده بود (Heathershaw & Montgomery, 2015: 8-10). از این‌رو گسترش و رشد اسلام‌گرایی در منطقه آسیای مرکزی نفوذ فرهنگی و تاریخی ایران را با چالش عمده روبه‌رو کرده است. این مسئله سبب شده است تا ایران در منطقه نیازمند تدوین سیاست‌گذاری مناسب و مبتنی بر مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی خود باشد.

با انجام این پژوهش ایران می‌تواند در قبال حوادث منطقه پیش‌دستی کرده، نسبت به رقبای خود دست بالا داشته و در نهایت قادر خواهد بود به‌موقع واکنش مناسب را نشان دهد؛ چراکه آگاهی از برنامه‌های در

نظر گرفته شده در منطقه ما را به ارائه سیاست گذاری مناسب سوق خواهد داد؛ بنابراین، پژوهش حاضر درصدد تدوین الگوی مطلوب سیاست گذاری با مؤلفه های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام گرایی افراطی است؛ بنابراین، پرسش اساسی پژوهش آن است که چه الگوی مطلوبی را می توان جهت سیاست گذاری با توجه مؤلفه های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام گرایی افراطی در منطقه تدوین کرد؟

همچنین تحقیقات و پژوهش های در این زمینه انجام گرفته که از مهم ترین آن ها می توان به مقاله مرتضی محمودی و جوری لطیف اف (۱۳۹۴) با عنوان «نقش دین اسلام در روابط بین ایران و ملت های آسیای مرکزی» نام برد که به بررسی حضور گسترده جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی در دهه های اخیر پرداخته و نویسنده معتقد است که این حضور به طور چشم گیری افزایش یافته است؛ نگارندگان در ادامه به اهمیت فرهنگی و دینی پنج کشور آسیای مرکزی پرداخته و معتقدند که این کشورها علاوه بر پیوند تاریخی و تمدنی دارای نوعی همبستگی اسلامی هستند. حبیب اله ابوالحسن شیرازی (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان: «دیپلماسی فرهنگی و نقش انجمن های دوستی در روابط بین الملل» ضمن توجه و بررسی اهمیت دیپلماسی فرهنگی معتقد است که نیل به مقاصد سیاسی، امنیتی و اقتصادی، همواره از مهم ترین اهداف کشورها در تدوین و اعمال سیاست خارجی شان بوده است. کولایی و خوانساری (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان: جمهوری اسلامی ایران و بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی». معتقدند که یکی از مهم ترین چالش ها، رشد و گسترش بنیادگرایی اسلامی در این منطقه بوده است. نویسندگان این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، نقش ایران را در رشد و گسترش بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی را بررسی می کنند. مارتا بریل اولکاد (۲۰۱۴)^۱ در مقاله ای با عنوان: «ریشه های اسلام افراطی در آسیای مرکزی». به بررسی تاریخ توسعه رادیکالیسم اسلامی در ازبکستان و در آسیای مرکزی می پردازد. اولکاد در ادامه اسلام بنیادگرا یا رادیکال را مورد بررسی قرار می دهند. اعتقاد دارد اینکه چه چیزی رادیکالیسم اسلامی است و چه کسانی در میان مسلمانان مذهبی باید تهدیدی برای رژیم سکولار باشند را مشخص می کنند. دهشیری و جوزانی کهن (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان: «شبکه سلول های تروریستی داعش در آسیای مرکزی»، با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی نحوه ایجاد شبکه ای از سلول های تروریستی در آسیای مرکزی توسط داعش پرداخته شده است. ماریا اوملیچوا (۲۰۱۷) در مقاله ای با عنوان: «ابزارسازی اسلام در آسیای مرکزی: استفاده از دین برای تضمین رژیم حاکم» به بررسی این موضوع می پردازد که دولت های آسیای مرکزی کارکرد دوگانه اسلام را مورد توجه خود قرار می دهند: از یک سو نسخه سنتی یا رسمی از ایمان اسلامی را برای تقویت هویت ملی و همچنین مشروعیت بخشیدن به رژیم اقتدارگرای خود به رسمیت می شناسند و در نقطه مقابل مقامات با اشاره به «گفتمان امنیتی» «خطر اسلامی» را تبلیغ می کنند تا

1. Martha brill olcott, the roots of islam in Central Asia, Carnegie endowment for international peace, 2007.

بتواند روند تقویت حکومت خود و سرکوب مخالفان را به رسمیت بشناسند.

همان گونه که مروری بر سوابق تجربی مرتبط با موضوع تحقیق حاضر نشان می‌دهد؛ در رابطه با موضوع پژوهش باید گفت که اولاً در رابطه با طراحی الگوی مطلوب سیاست گذاری مناسب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام گرایی افراطی پژوهشی صورت نگرفته است. اگرچه برخی از مطالعات به جنبه‌های از آن با توجه به موضوع مورد تحقیق خود اشاره داشته‌اند؛ که از جمله آنان می‌توان به مطالعه محمودی و لطیف اف (۱۳۹۴) که به عامل فرهنگی دینی در تحکیم روابط فرهنگی، شیرازی (۱۳۹۶) که به نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین‌الملل و عوامل فرهنگی بر دیپلماسی فرهنگی از حیث سلبی اشاره داشته‌اند؛ بنابراین، در یک ارزیابی کلی می‌توان چنین گفت که تحقیقات موجود، بیشتر بر دلایل گرایش به اسلام گرایی افراطی و نیز بر تهدیدات بنیادگرایی در جهت امنیت بین‌المللی و یا در سایر حوزه‌ها تمرکز نموده‌اند. بنابراین به دلیل کمبود چنین پژوهش‌هایی، سؤال اساسی درباره سیاست گذاری مناسب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام گرایی افراطی بی‌پاسخ مانده است. از این رو، پژوهش حاضر بر آن است که با انجام مطالعه کیفی و تدوین الگوی سیاست گذاری مطلوب در این زمینه به این مهم نائل آید. امری که در مطالعات قبلی مورد غفلت قرار گرفته است.

همچنین پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت پژوهش در زمره تحقیقات اکتشافی، به لحاظ نوع پژوهش کاربردی و به لحاظ روش تجزیه و تحلیل دارای روش استدلال استقرایی است. افزون بر این، پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت داده‌های پژوهش در زمره روش کیفی و برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه استاندارد با متخصصان و صاحب نظران استفاده کرده است. «موزو و ناگل» (۲۰۰۲) مصاحبه با متخصصان و صاحب نظران موضوعی خاص را مصاحبه نیمه استاندارد می‌دانند. در این نوع مصاحبه با مصاحبه‌شونده نه به عنوان یک شخص بلکه با توجه قابلیتش به عنوان متخصص در یک حوزه خاص توجه می‌شود. (نقل از فلیک، ۱۳۸۸: ۱۸۳). بنابراین؛ در این پژوهش با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند (گام اول) و روش نمونه‌گیری نظری (گام دوم)، از خبرگان و صاحب نظران رشته‌های علوم سیاسی، سیاست گذاری عمومی، حقوق و روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای دانشگاه‌های تهران در مهر و موم‌های تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷ به منظور برشمرده و تدوین الگوی مطلوب سیاست گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام گرایی افراطی، مصاحبه نیمه استاندارد به عمل آمده است. در توضیح روش نمونه‌گیری قضاوتی و یا هدفمند باید گفت که محقق با توجه به دانش و مهارت خود به سراغ نمونه‌هایی می‌رود که از آگاهی و اشراف کامل نسبت به موضوع مورد پژوهش برخوردار

باشند (ساروخانی، ۱۳۸۷). همچنین نمونه گیری نظری به تعبیر گلیزر و اشتراوس (۱۹۶۷) عبارت است از فرایند گردآوری داده ها برای نظریه پردازی که از این طریق تحلیل گر به طور هم زمان داده هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می کند و تصمیم می گیرد که چه داده هایی را در مرحله بعدی گردآوری و آنها را کجا پیدا کند تا بدین وسیله نظریه اش را در حین شکل گیری تدوین کند. نظریه در حال تدوین فرایند گردآوری داده ها را کنترل می کند (نقل از فلیک، ۱۳۸۸: ۱۳۸). بنابراین نمونه ها در اینجا حکم نمایا و معرف بودن با جامعه آماری را ندارند؛ بلکه از این حیث اهمیت دارند که به بساختن پدیده مورد بررسی و تدوین نظریه کمک کننده هستند؛ بنابراین، داده های پژوهش با مصاحبه عمقی با ۱۰ نفر از خبرگان و صاحب نظران مطالعات منطقه ای گرایش روسیه و آسیای مرکزی (۲ نفر)، سیاست گذاری عمومی (۳ نفر)، سیاست گذاری فرهنگی (۱ نفر) و اندیشه سیاسی (۱ نفر) و حقوق و روابط بین الملل (۳ نفر) به شرح جدول ۱ به اشباع نظری رسیده است.

جدول ۱. اعضای مصاحبه شوندگان برحسب نوع و میزان تخصص

ردیف	نوع تخصص	درجه تحصیلی	محل خدمت	مدت سابقه کار مرتبط با موضوع
۱	مطالعات منطقه ای گرایش روسیه و آسیای مرکزی	دکتری	دانشگاه پیام نور	۱۰ سال
۲	روابط بین الملل	دکتری	وزارت امور خارجه	۱۴ سال
۳	مطالعات منطقه ای گرایش آسیای مرکزی	دکتری	دانشگاه پیام نور	۲۰ سال
۴	سیاست گذاری عمومی	دانشجوی دکتری	وزارت آموزش و پرورش	۲۴ سال
۵	روابط بین الملل	دانشجوی دکتری	بخش بین الملل وزارت ورزش و جوانان	۲۰ سال
۶	سیاست گذاری عمومی	دانشجوی دکتری	وزارت امور خارجه	۲۰ سال
۷	اندیشه سیاسی	دکتری	دانشگاه زاهدان	۱۲ سال
۸	روابط بین الملل	دکتری	دانشگاه آزاد اردبیل آموزش و پرورش	۸ سال
۹	سیاست گذاری عمومی	دکتری	ارتش جمهوری اسلامی ایران دانشگاه آزاد واجد تهران جنوب	۲۱ سال
۱۰	حقوق بین الملل	دانشجوی دکترای	وزارت امور خارجه	۱۲ سال

علاوه بر آن برای تحلیل داده ها از تحلیل مضمون و از نوع شبکه مضامین (برای نشان دادن ارتباط و وابستگی مضامین) به واسطه انجام فرایند کدگذاری نظری در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری

و کدگذاری انتخابی به‌منظور برشمرده و کشف مضامین پایه (شناسه‌ها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌یافته (مقولات اصلی و فرعی به‌دست‌آمده از تلخیص و ترکیب مضمون‌های پایه‌ای) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل) الگوی مطلوب سیاست‌گذاری با مؤلفه‌های فرهنگی- تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی استفاده شده است.

به‌منظور اعتبارسنجی مضامین برشمرده از روش ارزیابی اعتبار به شیوه ارتباطی عمل شد. ارزیابی اعتبار به روش ارتباطی داده‌ها و توسط اعضای مورد مطالعه انجام می‌گیرد (فلیک، ۱۳۸۸: ۴۱۵). بدین ترتیب که مضامین برشمرده توسط اعضای مصاحبه‌شونده کنترل و مورد بازبینی قرار گرفته‌اند. همچنین از روش ممیزی یعنی رجوع به دو تن از کارشناسان حوزه مطالعات منطقه‌ای و سیاست‌گذاری فرهنگی برای تأیید مضامین برشمرده و الگوی مفهومی ساخته‌شده، اقدام شده است. به‌منظور پایایی سنجی مضامین برشمرده و نیز الگوی اندازه‌گیری شبکه‌ای ساخته‌شده از دو روش قابلیت تکرارپذیری (به‌واسطه استفاده از روش هماهنگی و توافق بین دو کدگذار) و نیز قابلیت انتقال و یا تعمیم‌پذیری (به‌واسطه انجام روش نمونه‌گیری نظری منظم و جامع از میان مصاحبه‌شوندگان) استفاده شده است (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵). بدین ترتیب که در بخش قابلیت تکرارپذیری از همکار محقق خواسته شده است تا مجدداً فرایند کدگذاری نظری و برشمرده مضامین پایه، سازمان‌یافته و فراگیر و برساخت الگوی مفهومی اندازه‌گیری شبکه‌ای را انجام دهد؛ بنابراین، در این میان ناهم‌هنگی‌های به وجود آمده در شناسایی مضامین مرتفع شده است. علاوه بر آن در بخش قابلیت انتقال و تعمیم‌پذیری سعی شده است که فرایند نمونه‌گیری نظری جامع باشد و خبرگانی از گرایش‌های مختلف علوم سیاسی و روابط بین‌الملل متناسب با موضوع تحقیق در فرایند مصاحبه نیمه استاندارد شرکت داده شوند.

مفاهیم و مبانی نظری

۱- اهمیت آسیای مرکزی: آسیای مرکزی منطقه‌ای بسیار مهم در تحولات جهانی به حساب می‌آید که از جنبه‌های مختلفی حائز اهمیت فراوان در فرایند جهانی و منطقه‌ای است در زیر به اهمیت این منطقه در ابعاد ژئوپلیتیک و فرهنگی پرداخته می‌شود:

۱-۱- اهمیت ژئوپلیتیک آسیای میانه: امروزه آسیای میانه به یک پل ارتباطی شمال به جنوب و شرق به غرب تبدیل شده است. آسیای میانه از لحاظ جغرافیایی مابین دو قدرت بزرگ یعنی چین و روسیه و چندین قدرت فرامنطقه‌ای از جمله ایران، پاکستان و هند واقع شده است. همین امر باعث شده است آسیای میانه به منطقه‌ای با اهمیت راهبردی بسیار تبدیل شده و گاهی تنش‌های میان این قدرت‌ها باعث بحران‌زایی در آن می‌شود. واقع شدن آسیای میانه در اوراسیا و سرزمین هارتلند نیز باعث هرچه بیشتر شدن اهمیت آن

شده است. (Ohara, 2000). کارشناس مرکز سیاست مدرن جمهوری قزاقستان، الدار گبدولین، اشاره می کند که منطقه نسبتاً کوچک اما غنی از منابع آسیای مرکزی جایگاه ویژه ای در معماری جغرافیایی امروزی جهان دارد. این منطقه جریان های انرژی تمام نقاط جهان را تعیین می کند و همچنین در همسایگی افغانستان بی ثبات قرار دارد. منافع بزرگ ترین بازیکنان جهان در آسیای میانه متمرکز است. منطقه را می توان تا حدودی «کلید» آینده ژئوپلیتیک و ثبات قاره آسیا برشمرد. همچنین مسائلی چون انعکاس مجموعه عوامل سیاست بین المللی، مطالعه موقعیت قدرت های اصلی و بازیکنانی که به نحوی در ژئوپلیتیک آسیای میانه تأثیر می گذارند و نقش وضعیت نسبتاً جدید بین المللی در وضعیت کشورهای آسیای میانه نیز شایان توجه است (Tuleev 2016: 185). منطقه آسیای مرکزی یک «تقاطع» منحصربه فرد ژئوپلیتیک است که چهار قدرت هسته ای - روسیه، چین، هند و پاکستان را به هم متصل می کند. به همین دلیل به نظر ما نکته مهم این است که کشورهای آسیای مرکزی بستر صلح و ثبات و مقاومت در برابر تروریسم بین المللی و جرائم سازمان یافته باشند (Чжоу, 2017: 164-168). بنابراین اهمیت فوق العاده جغرافیایی این منطقه از آنجا مشخص می شود که همواره چهارراهی برای حمل و نقل کالا و محصولات، سفرهای انسان ها و اشاعه و گسترش ایده ها و تفکرات نوین میان اروپا، آسیای غربی، آسیای جنوبی و آسیای شرقی بوده است (Paul & Andrew, 2013).

۱-۲- اهمیت فرهنگی: ارتباط اسلام با قومیت یکی از اصلی ترین ویژگی های آن در آسیای میانه است. بخش های عظیمی از جمعیت آسیای میانه پیش از فتح این منطقه به وسیله روسیه خود را مسلمان می شناختند اما این هویت برخاسته از آداب و سنن محلی و اجتماعی و نه عمل به آداب قرآن بود. سیاست های هویتی دوره شوروی نیز باعث تقویت این هویت سازی دینی و ملی شد و در دوره پسافروپاشی شوروی نیز تقویت شده است. امروزه نیز درست مانند چندین قرن گذشته، مسلمان بودن بخشی درونی از هویت مردمان آسیای مرکزی تلقی می شود. مسلمانان بر اساس برآوردهای مختلف چیزی بین ۵۲ الی ۶۵ درصد پیروان ادیان در قزاقستان و ۹۰ تا ۹۳ درصد در ترکمنستان را شکل می دهند. در قرقیزستان، ۷۵ الی ۸۶ درصد جمعیت خود را از لحاظ هویتی مسلمان می دانند و ۹۰ تا ۹۸ درصد تاجیک ها هم مسلمان هستند (Omeliicheva, 2017: 6-7). در اجلاس بین المللی امنیت و توسعه پایدار در آسیای مرکزی تحت حمایت سازمان ملل متحد (سمرقند، ۱۰-۱۱ نوامبر ۲۰۱۷) درباره اهمیت فرهنگی آسیای مرکزی بیان می دارند که «در طول مسیر راه های باستانی میان شرق و غرب در کنار "جاده ابریشم بزرگ" آسیای مرکزی برای هزاران سال به گفتگو و تبادل فرهنگ ها، زبان ها و ادیان جهان کمک کرد (Международной конференции, 2017: 2-4).

۲- اسلام گرایی افراطی و انواع آن: بنیادگرایی اسلامی گفتمانی است که حول مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است. این گفتمان مدعی است که اسلام از نظریه سیاسی دارای رویکرد مناسب به

دولت و سیاست است؛ بنابراین، از منظر این گفتمان، بازگشت به اسلام به‌عنوان تنها راه‌حل بحران‌ها و چالش‌های معاصر تلقی می‌شود. از این‌رو هدف اساسی این گفتمان بازسازی جوامع اسلامی مطابق با اصول بنیادین اسلامی است و در این راستا کسب قدرت سیاسی مهم‌ترین دغدغه متفکران و معتقدان به آن جهت دستیابی به اهداف تلقی می‌شود. از آنجاکه می‌توان گفت اسلام‌گرایی پاسخی به بحران‌های موجود جامعه است بسته به میزان و شدت بنیادگرایی در طیف گسترده‌ای قابل‌بررسی است که در سمت رقیق آن توسلات روحانی و معنوی و در سوی غلیظ آن خشونت انقلابی را می‌توان یافت. به هر میزان که بحران‌های اجتماعی و سیاسی گسترده‌تر باشند پاسخ بنیادگرایان انقلابی‌تر است (عزیزخانی، ۱۳۸۸: ۶۲)؛ بنابراین، با توجه به این تقسیم‌بندی می‌توان گفت داعش از طیف دوم و غلیظ آن است که نه تنها یک گروه تروریستی هست، بلکه یک سازمان سیاسی و نظامی است که با ارائه تفسیری رادیکال از قرآن و سنت به‌عنوان یک فلسفه سیاسی ظهور کرده و با استفاده از روش‌های خشونت‌بار و غیرانسانی به دنبال تحمیل جهان‌بینی خود است (پوراحمدی و عباسی، ۱۳۹۵: ۹۳)؛ بنابراین گروه‌های افراطی فعال در آسیای میانه از مهم‌ترین چالش‌های درونی پیش روی رژیم‌های حاکم این منطقه به شمار می‌روند که تاریخچه‌ای طولانی دارند. این گروه‌ها در واکنش به علل مختلفی شکل گرفتند که مداخله خارجی تا فساد داخلی و حس جدایی طلبی و استقلال را در برمی‌گیرد. جدول ۲؛ مشخصات سازمان‌های محلی/فراملی اسلام‌گرای فعال در آسیای میانه را نشان می‌دهد:

جدول ۲؛ مشخصات سازمان‌های محلی/فراملی اسلام‌گرای فعال در آسیای میانه

نام	خاستگاه	اهداف	روش‌ها	شخصیت‌های کلیدی	شبکه‌ها	وضعیت کنونی
حزب نهضت اسلامی تاجیکستان	شوروی سابق	در ابتدا مخالفت با دولت؛ تبدیل شدن به حزب قانونی در سال ۱۹۹۸	رقابت سیاسی؛ صلح‌آمیز؛ فعالیت‌های خیریه و داوطلبانه؛ فضای مجازی	سعید عبدالله نوری؛ محی‌الدین کبیری	جبهه متحد مخالف تاجیک	به یک حزب سیاسی اسلامی جریان اصلی در تاجیکستان تبدیل شده است و تنها حزب اسلامی قانونی آسیای میانه است
سلفی	عربستان سعودی؛ قرن هجدهم؛ اسلام سنی	بازگشت به ریشه‌ها؛ نظارت شدید دینی	تفسیر ظاهری و لفظی از اسلام؛ آموزش و ساخت مسجد تا عملیات نظامی	عبدالله‌وهاب	القاعده؛ جهادگرایی سلفی	فعال در سراسر جهان
جنبش اسلامی ازبکستان	نمندگان؛ ازبکستان؛ ۱۹۹۲؛ طاهر یولداشف (سلفی)	ایجاد یک دولت اسلامی مبتنی بر قوانین اسلامی	فعالیت‌های نظامی و جنایی؛ قاچاق مواد مخدر؛ حمله به پایگاه‌های نظامی و سفارت‌خانه‌های خارجی	طاهر یولداشف؛ جمعه خدجیف نمنگلی	القاعده؛ طالبان؛ جنبش اسلامی آسیای میانه ^۱	گریختن به پاکستان در سال ۲۰۰۱؛ جذب نیرو در اروپا؛ برنامه‌هایی برای شروع فعالیت‌ها در آسیای میانه

1. Islamic Movement of Central Asia (IMCA)

نام	خاستگاه	اهداف	روش‌ها	شخصیت‌های کلیدی	شبکه‌ها	وضعیت کنونی
جنبش جهاد اسلامی	ازبکستان - ۲۰۰۴ - سلفی	سرنگونی دولت کریمف در ازبکستان؛ تأسیس دولت اسلامی	عملیات نظامی؛ بمب‌گذاری انتحاری؛ حمله به پایگاه‌های نظامی	نجم الدین جلالف (دستیار ارشد بن‌لادن؛	جنبش اسلامی ازبکستان از زیرشاخه‌های این گروه است	آسیای میانه (ازبکستان)؛ اروپا (آلمان)؛ ترکیه؛ افغانستان
حزب التحریر	تقی‌الدین اللنبهانی	آرمان‌شهر گرا؛ ضد دموکراتیک؛ تأسیس خلافت اسلامی	شبکه‌ها و گروه‌های کوچک؛ اینترنت؛ رسانه‌ها؛ خشونت‌گرایی	ابو قتاده؛ عمر بکری محمد	حزب النصره؛ اوزون سقول؛ المهاجرین	چهل کشور؛ دفتر اصلی در لندن؛ از سال ۱۹۹۰ در آسیای میانه؛ قدرتمندترین گروه از نظر شمار اعضا

منبع: Münster & Bosch, 2016

۳- مروری بر مبانی نظری تحقیق

۳-۱- نظریه همگرایی: هم‌گرایی به‌عنوان یک تئوری نخستین بار توسط دیوید میتزانی پژوهشگر انگلیسی در مهوروم‌های بین دو جنگ جهانی مطرح شد. طبق نظریه میتزانی، پیچیدگی روزافزون نهادهای حکومت از اهمیت کارشناسان سیاسی و سیاستمداران کاسته و در عوض کفه را به نفع کارشناسان فنی که با کارهای سیاسی سروکار چندانی ندارند؛ سنگین کرده. میتزانی معتقد است که تقسیم جهان بین دولت‌هایی که منافع متضاد دارند تنها به بحران و جنگ می‌انجامد. به نظر وی ایجاد شبکه گسترده‌ای از سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی که زمینه‌ساز هم‌گرایی بین‌المللی هستند؛ بهترین راه برای مقابله با وضعیت بحران‌آمیز است. (James and Robert, 1971: 281) کارل دویچ در رابطه با هم‌گرایی مسئله مهمی را مطرح می‌کند که بسیار گویاست به گفته دویچ ارتباطات نقش بزرگی در نزدیکی جوامع بازی می‌کنند، بنابراین هر چه ارتباطات در زمینه‌های حمل‌ونقل، توریسم، مرادات پستی، تجارت و مهاجرت بیشتر باشد، این جوامع بیشتر به هم نزدیک می‌شوند و به‌جای منازعه به همکاری روی می‌آورند و جوامع امنیتی را تشکیل می‌دهند. بنابراین با گسترش همه‌جانبه ارتباطات هم‌گرایی به ثمر می‌رسد.

همگرایی ممکن است هم به‌صورت یک فرایند و هم به‌صورت یک هدف مورد مطالعه قرار گیرد. به‌عنوان یک فرایند، حرکتی است در راستای افزایش همکاری میان دولت‌ها و انتقال تدریجی اقتدار به نهادهای فوق ملی. همچنین به‌عنوان یک هدف اقدامی است، در راستای همگون سازی تدریجی ارزش‌ها و در نهایت ظهور یک جامعه مدنی جهانی. بدین ترتیب هم‌گرایی میان دولت‌ها، یک نوع پیکربندی جمعی از لحاظ تصمیم‌گیری را به وجود می‌آورد، که ما با روابط فرادولتی سروکار داریم تا میان‌دولتی، طبق این اجتماع ایجاد شده، خود را برای توزیع کالاها و خدمات میان واحدهای متشکله مسئول می‌داند (قوام، ۱۳۸۴: ۴۳).

از لحاظ سطح تحلیل سه سطح را می‌بایست برای مطالعات هم‌گرایی در روابط بین‌الملل در نظر گرفت: سطح اول: هم‌گرایی در سطح نظام جهانی، که اشاره به فرایندی دارد که طی آن دولت‌ها بخشی از اقتدار و قدرت تصمیم‌گیری خود را به نهادهای فوق ملی در مقیاس جهانی انتقال می‌دهند. برای مثال می‌توان سازمان ملل را در این سطح قرارداد.

سطح دوم: سطح هم‌گرایی منطقه‌ای است که به موجب آن، تعدادی از دولت‌هایی که در مجاورت با یکدیگر قرار دارند گرد هم آمده، و یک اتحادیه سیاسی و اقتصادی فدرال را مانند اتحادیه اروپا به وجود می‌آورند.

سطح سوم: ارتباط مستقیم به ویژگی‌های ساختاری دولت‌ها بستگی دارد. هرچه واحدهای سیاسی از درجه بالای توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... برخوردار باشد، بر میزان هم‌گرایی تأثیر زیادی دارد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۱: ۴۵-۴۴). ارنست هاس هم‌گرایی را یک فراگرد می‌داند که حول محور آن بازیگران سیاسی و دولت‌های مستقل هر کشوری به این درک می‌رسند که منافع آن‌ها در وحدت و تأسیس مرکز جدیدی است که جایگزین دولت‌های ملی شود (Hass, 1958: 16).

همگرایی دارای مفروضه‌هایی به شرح زیر است: نخستین مفروض هم‌گرایی اصل تسری است. یعنی نوعی منطق تدریج گرایی فزاینده بر رفتار بشر حاکم است. توجه واقع‌گرایانه این نظریه به ناتوانی انسان در رفع نیازهای اجتماعی و تلفیق آن با آرمان‌گرایی در این نظریه، موجب پیدایش این ایده می‌شود که به تدریج جوامع ملی را فرا می‌گیرد و دامنه فعالیت مشترک اعضا افزایش می‌یابد که نتیجتاً باعث تأمین منافع اعضا می‌شود.

دومین مفروضه هم‌گرایی منطقه‌ای پیوند مسائل فنی و اقتصادی با مسائل سیاسی است. یعنی هم‌گرایی با مسائل غیرسیاسی و فنی شروع می‌شود، مثل بازرگانی و سپس به حوزه‌های دیگر کشیده می‌شود. طبق نظریه دیوید میترا نی،^۱ پیشگام نظریه کارکردگرایی در هم‌گرایی منطقه‌ای، دولت‌ها با مشاهده نتایج موفقیت آمیز همکاری در امور فنی. اقتصادی به گسترش همکاری در حوزه سیاسی نیز گرایش می‌یابند. وی «نظریه انشعاب»^۲ و «نظریه تدریجی»^۳ را مطرح می‌کند که بر اساس آن، همکاری در یک زمینه فنی، به تدریج به همکاری در بخش‌های دیگر می‌انجامد. یعنی همکاری در یک بخش، که در نتیجه نیاز پدید آمده و عملاً موفق بوده است، خود نیاز به همکاری را در بخش‌های دیگر پدید می‌آورد. نیاز کشورها به همکاری، آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و باعث می‌شود که فعالیت و تجربه همکاری در زمینه‌های اقتصادی، بنیانی را برای همکاری و توافقات سیاسی فراهم کند. به اعتقاد وی، ادغام‌های اقتصادی یا فنی نمی‌توانند به تنهایی به صلح بینجامد، ولی بنیان‌هایی را ایجاد می‌کنند که موجب شکل‌گیری

1. David Mitrany

2. Ramification Theory

3. Gradualism

موافقت‌نامه‌های سیاسی می‌شود که زمینه‌ساز صلح می‌گردد (بینقی، ۹: ۱۳۹۳-۶).

سومین فرض این است که هم‌گرایی منطقه‌ای از اهمیت جغرافیایی ناشی می‌شود. این دسته از نظریه‌پردازان میان مناطق جغرافیایی، فرهنگی با گرایش به هم‌گرایی نوعی پیوند قائلند. به نظر این دسته از اندیشمندان، زمانی که تجانس‌های جغرافیایی، فرهنگی با مشترکات کارکردی و فنی عجین شود زمینه را برای هم‌گرایی فراهم می‌کند (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۴۰۳).

۳-۲- نظریه دیپلماسی فرهنگی: دیپلماسی فرهنگی عبارت است از معماری یک بزرگراه دوطرفه به‌منظور ایجاد کانال‌هایی برای معرفی تصویر واقعی و ارزش‌های یک ملت و درعین‌حال، تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از سایر ملت‌ها و فهم ارزش‌های آن‌ها (Malone, 1988: 12) سرانجام، در تعریف میلتون کامینگز، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات به‌منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها (Cummings, 2003: 1).

اهداف و مبانی دیپلماسی فرهنگی عبارتند از: کسب وجهه بین‌المللی در میان اقوام و ملت‌ها و اثرگذاری بر رفتار آن‌ها، ایجاد نهادهای علمی، فرهنگی جدید به‌منظور برقراری روابط پایدارتر در بین جوامع مختلف، فهم دقیق اصول موجود در فرهنگ سایر ملت‌ها و کنکاش در ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی دیگر جوامع با هدف ارتقاء درک متقابل میان ملت‌ها، شناخت سیاست‌های فرهنگی کشور مبدأ، شناخت سیاست‌های فرهنگی کشور مقصد و شناخت فرهنگ به‌عنوان قدرت نرم (حقیقی، ۱۳۸۶: ۷۶-۷۷).

استفاده از فرهنگ و بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی در دیپلماسی در مقایسه با سایر ابزارها و اهرم‌های رایج در روابط بین‌المللی دارای مزایای بسیاری است: اول: مواجهه شدن با مقاومت کمتر در جوامع و کشورهای مقصد از کلیدی‌ترین مزایای دیپلماسی فرهنگی محسوب می‌شود. چراکه فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در بسیاری از موارد ضمیر ناخودآگاه مخاطبان خود را هدف قرار می‌دهد و با ظرافت و لطافت غیر مشهودی بر لایه‌های عمیق اذهان ایشان تأثیر می‌گذارد، دوم: عاری بودن دیپلماسی فرهنگی از لحنی خصمانه و آمرانه در کنار جذابیت‌های بیشتر و نامحسوس بودن اعمال آن و درنتیجه هدف قرار دادن روح و ذهن مخاطبان خود از دیگر مزایای آن است. سوم: در دیپلماسی فرهنگی فرصت بهتری برای حضور جدی‌تر و مجال بیشتری برای ایفای نقش مؤثرتر توسط بازیگران غیررسمی، نهادهای مدنی و اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی مهیا می‌شود و این خود بر گستره حوزه مانور و دامنه تأثیرگذاری دیپلماسی فرهنگی در مقایسه با دیپلماسی کلاسیک سنتی می‌افزاید. چهارم: دیپلماسی فرهنگی بیشتر به دنبال کشف، شهود، تعریف و ترویج ارزش‌ها و منافع مشترک و جهان‌شمول و سپس تأمین منافع ملی در چهارچوب ارزش‌ها و منافع مشترک است. پنجم: دیپلماسی فرهنگی می‌تواند به‌منزله فتح بابی برای

مفاهمه بیشتر و بهتر میان کشورها به کار رود و به‌مرورزمان به پایه‌ریزی روابط عمیق و پایدار فرهنگی میان کشورها بینجامد و این تعمیق حتی می‌تواند به حوزه سیاسی و امنیتی تسری یابد. ششم: دیپلماسی فرهنگی می‌تواند، انعطاف‌پذیرتر و حتی فرصت‌طلبانه‌تر از دیپلماسی کلاسیک و سنتی در بسیاری از حوزه‌ها طراحی و اجرا شود (حسن‌خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۸-۱۳۹).

با نگاهی اجمالی به آسیای مرکزی می‌توان برخی از مصادیق این امتیازات و هم‌پوشانی‌های فرهنگی را بین دو طرف مشاهده نمود. «وجود اشتراکات دینی با وجود بیش از ۴۲ میلیون مسلمان (اگرچه متفاوت از نظر مذهبی)، اشتراکات زبانی در زیرمجموعه‌گوش‌های زبان فارسی، به‌ویژه در تاجیکستان، شهر اوش در جنوب قرقیزستان، وجود تشابه‌های فرهنگی با ایرانیان، به‌ویژه در تاجیکستان، دره فرغانه در کنار رود زرافشان و سمرقند و بخارا در ازبکستان و نیز مرو و عشق‌آباد، نمونه‌هایی بدیع از این اشتراکات در حوزه فرهنگی است» (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۸: ۳-۶). این عوامل، موجب هم‌گرایی بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی در حوزه فرهنگی گردیده است و موجب شده تا تفاهم و دوستی بین این کشورها و جمهوری اسلامی ایران رو به گسترش گذارد. از این‌رو، حوزه فرهنگی، یکی از مهم‌ترین بسترهایی است که ایران می‌تواند با ارتقای سطح و حجم همکاری با کشورهای منطقه، ضمن احیای جغرافیای فرهنگی خود در آسیای مرکزی، زمینه هم‌گرایی بیشتر در عرصه سیاست خارجی را فراهم نماید.

علاوه بر آن، جان لنکروسکی در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی فرهنگی، نفوذ سیاسی و راهبرد هم‌گرایانه»، ابزارهای دیپلماسی فرهنگی را برمی‌شمارد. وی افزون بر ذکر عناصری مانند هنر، تاریخ، نمایشگاه‌های فرهنگی، برنامه‌های آموزشی و مبادله، آموزش زبان، رسانه‌ها، دیپلماسی دینی را به‌عنوان ابزار و هم‌چنین موضوع دیپلماسی فرهنگی مطرح می‌کند (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۰۴).

۳-۳- جمع‌بندی سوابق نظری: طبق نظریه میترانی، بهترین راه برای مقابله با وضعیت بحران‌آمیز دنیای کنونی، ایجاد شبکه گسترده‌ای از سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی که زمینه‌ساز هم‌گرایی هستند؛ است. از این‌رو، حوزه فرهنگی، یکی از مهم‌ترین بسترهایی است که ایران می‌تواند با ارتقای سطح و حجم همکاری با کشورهای منطقه، ضمن احیای جغرافیای فرهنگی خود در آسیای مرکزی، زمینه هم‌گرایی بیشتر در عرصه سیاست خارجی را فراهم نماید؛ بنابراین، همان‌گونه که در زیر مبانی نظری نیز آمده است؛ از یک سو گسترش ارتباطات در زمینه‌های مختلف موجب نزدیکی جوامع آسیای مرکزی به یکدیگر می‌شود و از سوی دیگر می‌توان به‌واسطه ابزارهای دیپلماسی فرهنگی همچون: هنر، تاریخ، نمایشگاه‌های فرهنگی، برنامه‌های آموزشی و مبادله، آموزش زبان، رسانه‌ها، دیپلماسی دینی و... به تعبیر لنکروسکی به گسترش بیشتر تعاملات نرم در منطقه در راستای ایجاد هم‌گرایی فرهنگی دست یافت.

از این منظر، آسیای مرکزی متشکل از پنج کشور ترکمنستان به دلیل همسایگی با ایران، تاجیکستان به

دلیل هم‌زبانی، ازبکستان به دلیل خاستگاه فرهنگی و تمدنی ایرانی و اسلامی در سمرقند و بخارا، قرقیزستان و قزاقستان به دلیل اشتراکات تاریخی و فرهنگی همیشه برای ایران دارای اهمیت بوده و خواهد بود. از سوی دیگر ایران اگرچه از لحاظ زبانی با اکثر کشورهای آسیای مرکزی قرابت نزدیکی ندارد و فقط با تاجیکستان و قسمتی از ازبکستان در زبان فارسی مشترک است. اما از لحاظ آب‌سخورهای فرهنگی، میراث مشترکی دارد که قابل اتکا و ارائه است فراوانی مشاهیر مشترکی که هم ایرانی‌ها و هم تاجیک‌ها، ترکمن‌ها، قزاق‌ها و ازبک‌ها به داشتن آن‌ها مفتخرند که از جمله این بزرگان می‌توان به رودکی، ابوعلی سینا، شیخ نجم‌الدین کبری، فارابی، زحشری، انوری ابیوردی، خوارزمی و کسایی مروزی اشاره کرد که مردم این منطقه هویت فرهنگی خود را مدیون آن‌ها هستند؛ امتیاز هم‌کیشی و هم‌آیینی که بیشتر جمعیت کشورهای آسیای مرکزی مسلمان هستند؛ امتیاز اشتراکات فرهنگی و تاریخی که این ارتباط حتی به ادوار پیش از اسلام نیز برمی‌گردد؛ امتیاز مرزهای جغرافیایی مشترک که در این بین ایران ۱۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشورهای آسیای مرکزی دارد؛ امتیاز اشتراک زبانی و نقش زبان پارسی از ادوار پیشین تاکنون به‌ویژه در کشورهای تاجیکستان و ازبکستان؛ وابستگی‌های جغرافیایی و ارتباطات که ایران و به‌ویژه خراسان یکی از راه‌های ورود کشورهای آسیای مرکزی به آب‌های آزاد و خلیج فارس می‌توانست باشد؛ برگزاری جشن نوروز به‌عنوان میراث گذشته و حال ایران و آسیای مرکزی و آداب و رسوم مربوط به آن؛ امتیاز تعاملات متقابل و این‌که فرهنگ ایرانی همواره در منطق مردم آسیای مرکزی پذیرفته شده بوده است؛ امتیاز راه‌های تجاری به‌ویژه راه ابریشم که در دوره‌های تاریخی به‌عنوان عامل پیوستگی فرهنگی و اقتصادی بوده است و همه و همه نشان از پیوستگی فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی بین ایران و آسیای مرکزی دارد.

داده‌ها و تحلیل یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در قسمت روش‌شناسی پژوهش نیز به آن اشاره شده است؛ به‌منظور تحلیل داده‌ها و بر ساخت الگوی مفهومی اندازه‌گیری شبکه‌ای سیاست‌گذاری مطلوب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی از تحلیل مضمون و از نوع شبکه مضامین استفاده شده است. در تعریف مضمون می‌توان چنین گفت: مضمون ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است. (براون و کلارک، ۲۰۰۶ نقل از عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۴). بدین ترتیب که داده‌های حاصل از فرایند مصاحبه نیمه استاندارد با خبرگان پس از استخراج، در قالب گزاره‌های خبری تدوین و به‌منظور دست‌یابی به مضامین فراگیر (مقولات اصلی) و بر ساخت الگوی مفهومی از فرایند کدگذاری نظری در سه مرحله کدگذاری باز (کشف مضامین پایه)، کدگذاری محوری (کشف مضامین سازمان‌یافته) و کدگذاری گزینشی یا انتخابی (کشف مضامین فراگیر) استفاده شده است. در ادامه به تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان به‌منظور

ترسیم الگوی مفهومی اندازه‌گیری شبکه‌ای سیاست‌گذاری مطلوب با مؤلفه‌های فرهنگی- تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی پرداخته می‌شود.

در ابتدا همان‌گونه که در سطور فوق نیز به آن اشاره شد؛ داده‌های حاصل از مصاحبه نیمه‌استاندارد با خبرگان پس از پیاده‌سازی در قالب جملات و یا گزاره‌های خبری نگاشته شدند؛ سپس به هر یک از جمله، مضمون پایه‌ای (همان شناسه‌ها و نکات کلیدی در متن) داده شده است. با تعیین و مشخص شدن مضامین پایه‌ای، مرحله کدگذاری باز به اتمام رسیده است^۱. در این مرحله نوبت فرایند کدگذاری محوری و گزینشی به‌منظور کشف مضامین سازمان‌یافته و فراگیر است. بدین ترتیب که ابتدا داده‌ها (یا همان مضامین پایه‌ای مستخرج از فرایند کدگذاری باز) با شیوه‌های جدید (یعنی تلخیص و ترکیب) به یکدیگر پیوند خوردند تا پیوندهای میان مضامین سازمان‌یافته با مضامین پایه‌ای برقرار گردد. پس از کدگذاری محوری و کشف مضامین سازمان‌یافته، در مرحله بعد به‌منظور کشف مضامین فراگیر الگوی سیاست‌گذاری مطلوب، کدگذاری گزینش یا انتخابی انجام شده است. در این مرحله نیز همچون مرحله قبل، داده‌ها (مضامین سازمان‌یافته) با شیوه‌های جدید (یعنی تلخیص و ترکیب) به یکدیگر پیوند خوردند تا پیوندهای میان مضامین فراگیر با مضامین سازمان‌یافته برقرار گردد. جدول ۳؛ فرایند کدگذاری نظری را برای کشف مضامین سازمان‌یافته و فراگیر سیاست‌گذاری مطلوب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی

۱. به‌منظور جلوگیری از اطاله کلام، از ذکر جدول فرایند کدگذاری باز و کشف مضامین پایه‌ای از جملات استخراجی مصاحبه نیمه استاندارد با خبرگان خودداری شده است.

در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی نشان می‌دهد:

جدول ۳؛ فرایند کدگذاری نظری برای کشف مضامین سازمان‌یافته و فراگیر سیاست‌گذاری متناسب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌یافته	مضامین پایه‌ای
اتخاذ رویکرد مناسب فرهنگی در سیاست‌گذاری خارجی	اثربخش بودن دیپلماسی فرهنگی	اثربخشی قدرت نرم در مناسبات بین‌المللی
		مؤثر بودن قدرت فرهنگی در مهار اسلام‌گرایی افراطی
		چندوجهی بودن تأثیر گذاری عوامل فرهنگی
		اثربخش بودن دیپلماسی فرهنگی به‌واسطه قربت تمدنی
		جایگاه منحصر به فرد ایران در دیپلماسی فرهنگی به‌واسطه قربت فرهنگی
	پذیرش و مشروعیت دیپلماسی فرهنگی	اهمیت دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی
		تأثیر گذاری بیشتر دیپلماسی فرهنگی به نسبت اقتصاد و سیاست
		تأثیر گذاری قدرت نرم‌افزاری نسبت به قدرت سخت‌افزاری
		اثربخشی عوامل فرهنگی در مقایسه با سایر عوامل
		نامحسوس بودن عملکرد مناسبات فرهنگی
		مشروعیت مناسبات فرهنگی از سوی حکومت‌ها
		مطرح‌شدن اهداف ملی در سایه مناسبات فرهنگی
		نفوذ مناسبات فرهنگی نسبت به مناسبات نظامی و سیاسی
		برتری دیپلماسی فرهنگی نسبت به سایر دیپلماسی‌ها
		عدم مقاومت کشورها در برابر دیپلماسی فرهنگی
آمرانه و خصمانه نبودن دیپلماسی فرهنگی		
تغییر رویکرد موجود دیپلماسی فرهنگی	داشتن یک سیاست‌گذاری مناسب خارجی	
	ضرورت توجه ایران به دیپلماسی فرهنگی در منطقه	
	ضرورت توجه به دیپلماسی فرهنگی	
	تغییر رویکرد موجود دستگاه سیاست‌گذاری خارجی	
		تغییر رویکرد و نگاه سیاست‌گذاران در تعاملات بین فرهنگی

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌یافته	مضامین پایه‌ای
تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی	توجه به عناصر مشترک فرهنگی	شکل‌گیری هم‌گرایی بر اساس قرابت‌های فرهنگی
		همگرایی بر اساس بر داده‌های فرهنگی
		همگرایی فرهنگی بر اساس قرابت‌های مشترک فرهنگی و تاریخی
		توجه به برنامه‌های فرهنگی مشترک در دیپلماسی
		نقش ادبیات، زبان و موسیقی در قرابت فرهنگی
		استفاده از تاریخ و زبان مشترک
		استفاده از ظرفیت‌های تاریخی مشترک دیپلماسی هم‌گرایی فرهنگی
		بهره‌گیری از ظرفیت‌های آداب و سنت‌های مشترک
		استفاده از ابزارهای دین، زبان و ادبیات فارسی، در مناسبات فرهنگی
		تأمین منافع ملی در چهارچوب ترویج ارزش‌ها و منافع مشترک
توجه به ظرفیت‌های هنر و معماری	توجه به عناصر مشترک فرهنگی	برجسته نمودن مشاهیر ادبی و علمی مشترک در هم‌گرایی فرهنگی
		کار فرهنگی مداوم برای مقابله با اسلام‌گرایی افراطی
		ضرورت توجه به مؤلفه‌های فرهنگی در جهت مقابله با کج‌روی‌ها
		دیپلماسی فرهنگی در سایه عناصر فرهنگ ملی و اسلامی
		نقش برنامه‌های فرهنگی در تحکیم روابط
		تأثیرگذاری بر گزاری آیین‌ها و رسوم فرهنگی در تحکیم روابط
		برجسته نمودن مناسبات فرهنگی با برنامه‌های فرهنگی متنوع
		تکیه بر زبان و ادبیات و تاریخ مشترک
		استفاده از ظرفیت‌های دانشمندان و شعرا
		استفاده از عوامل ایجادکننده رضایت و مقبولیت جهت مقابله با اسلام‌گرایی افراطی
	گسترش صنعت توریسم	مبتنی بودن عوامل فرهنگی بر اقناع و رضایت
		توسعه گردشگری و امضاء تفاهم‌نامه‌ها در این باره
	توجه به ظرفیت‌های هنر و معماری	تأثیرگذاری پخش فیلم و موسیقی مشترک در تحکیم روابط
		تأثیرگذاری معماری و هنر و موسیقی در روابط بین کشورها
		ساخت فیلم‌های قرآنی
		تلطیف روحیات و افکار عامه به واسطه معماری و هنر

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌یافته	مضامین پایه‌ای
استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی	تقویت روابط و تبادلات علمی، آموزشی	استفاده از ظرفیت‌های مراکز علمی و دانشگاه‌ها
		انجام تبادلات دانشجویی در آسیای مرکزی
		تأثیرگذاری روابط علمی و فناوری در روابط
		تقویت روابط علمی در نزدیکی روابط
		بازنمایی ادبیات و تاریخ در کتاب‌های درسی
	آگاهی بخشی دینی در سایه تولید محتوا	نقش اجلاس‌های علمی بین‌المللی جهت شناسایی تهدیدات اسلام‌گرایی
		تلاش جهت افزایش آگاهی مردم نسبت به دین
		اهمیت افزایش آگاهی عمومی در تحکیم روابط
		تهیه کتابچه‌ها و بروشورها در راستای آگاهی بخشی مردم
	نشر اندیشه‌ها از طریق ترجمه متون	استفاده از زبان و ادبیات فارسی و ترجمه متون
		نقش زبان و ادبیات فارسی در هم‌گرایی فرهنگی
		توجه به زبان و ادبیات در دیپلماسی
		استفاده از ظرفیت‌های فرهنگ و زبان فارسی
تقویت زبان و ادبیات فارسی	توجه به ظرفیت‌های زبان و ادبیات	محبوبیت و آشنایی با زبان و ادبیات فارسی در آسیای مرکزی
		نقش حیاتی زبان و ادبیات در دیپلماسی فرهنگی
		برتری زبان و ادبیات در دیپلماسی فرهنگی
		برگزاری محافل ادبی و برجسته نمودن اشعار نوع‌دوستی و انسان‌دوستی
		ترویج تساهل و تسامح از طریق شعر و ادبیات فارسی
توجه به سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه‌ای	استفاده از ظرفیت فضای مجازی	نقش پررنگ دیپلماسی فرهنگی به واسطه نفوذ رسانه‌های نوین
		تقویت و ترویج اسلام معتدل در فضای مجازی
		مقابله با تبلیغات اسلام‌گرایی افراطی
	جهت دادن به افکار عمومی به واسطه رسانه‌ها	انجام فعالیت‌های رسانه‌ای مشترک
		مبتنی بودن بر اقناع و رضایت مناسبات فرهنگی در افکار عمومی
		نقش دیپلماسی فرهنگی به واسطه اهمیت یافتن افکار عمومی

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه‌ای
تقویت عناصر مشترک دینی با تکیه بر وجوه اخلاقی آن	ترویج قرائت رحمانی و اخلاقی از دین	ترویج قرائت رحمانی و برداشت آزاد از دین
		برداشت رادیکال و رحمانی دو قرائت از دین
		برداشت رحمانی به عنوان پادزهر مهم
		معرفی چهره معتدل از اسلام و مسلمانان برای مقابله
		اشاعه فرهنگ اسلامی منعطف
		معرفی اسلام منعطف جهت مقابله با اسلام گرایی افراطی
		تدوین و ارائه تعریف منعطف از اسلام در حوزه فرهنگ دینی
		حاکم بودن تفسیر رادیکالی از دین در آسیای مرکزی
		معرفی چهره خشن از دین توسط اسلام گرایان افراطی
		استفاده از ظرفیت‌های اندیشمندان و نوگرایان مسلمان
توجه به هویت و اشتراکات دینی	توجه به هویت و اشتراکات دینی	مشخص نمودن مصادیق افراط و تفریط در دین
		برجسته نمودن جنبه آزادمنشی دین در جهت مقابله با اسلام گرایی افراطی
		برجسته کردن بخش اخلاقی اسلام
		تکیه بر اصول مورد توافق فرقه‌های مختلف از دین اسلام
		پرهیز از گرایش به اسلام سیاسی
		تکیه بر نقاط مشترک دین اسلام در هم گرایی فرهنگی
		استفاده از دین و هویت دینی در راستای مقابله با اسلام گرایی افراطی
		ضرورت توجه به هویت دینی در دیپلماسی فرهنگی
		مؤثر بودن هم گرایی دینی
		مشکل بودن دیپلماسی هم گرایی به واسطه تهدید شاخه‌های متعدد اسلام
		کارایی داشتن ابزار دینی برای مقابله با اسلام گرایی افراطی
		اهمیت نقش مذهب در دیپلماسی فرهنگی

جدول ۴؛ تعداد مضامین فراگیر، مضامین سازمان یافته و مضامین پایه‌ای سیاست گذاری متناسب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام گرایی افراطی مستخرج از

داده های کیفی مرتبط با مصاحبه نیمه استاندارد با خبرگان را نشان می دهد:

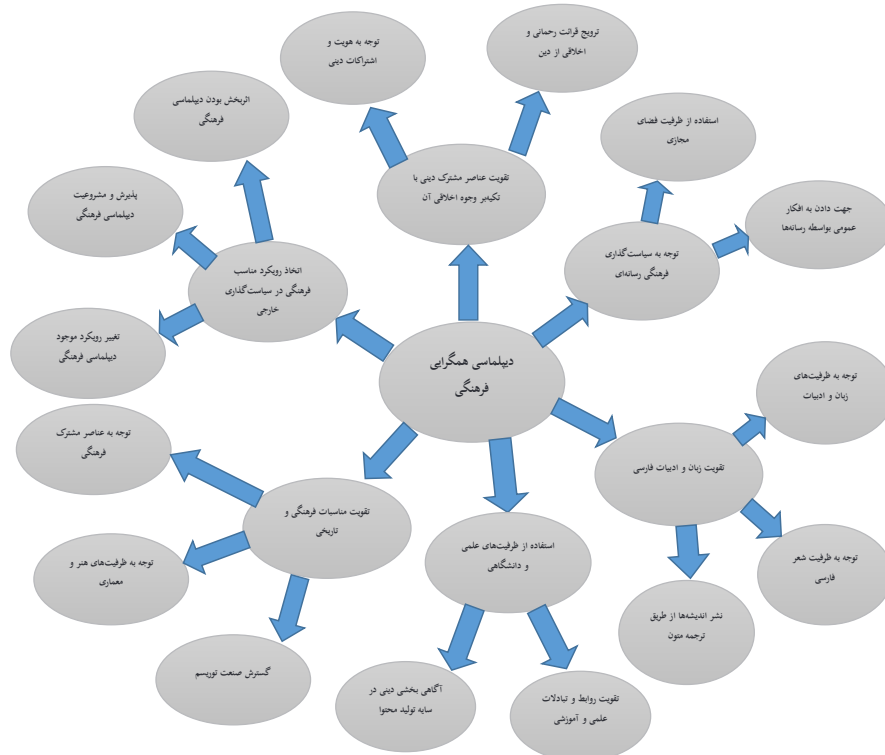
جدول ۴؛ تعداد مضامین فراگیر، سازمان یافته و پایه ای سیاست گذاری مطلوب با مؤلفه های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام گرایی افراطی

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه
۱	اتخاذ رویکرد مناسب فرهنگی در سیاست گذاری خارجی	۳	۲۱
۲	تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی	۳	۲۶
۳	استفاده از ظرفیت های علمی و دانشگاهی	۲	۹
۴	تقویت زبان و ادبیات فارسی	۳	۹
۵	توجه به سیاست گذاری فرهنگی رسانه ای	۲	۶
۶	تقویت عناصر مشترک دینی با تکیه بر وجوه اخلاقی آن	۲	۲۲
جمع کل	۶	۱۵	۹۳

همان گونه که یافته های جدول ۴ نیز گویای آن است؛ سیاست گذاری مطلوب با مؤلفه های فرهنگی - تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام گرایی افراطی بر اساس مصاحبه عمقی با ۱۰ نفر از خبرگان از ۶ مضامین فراگیر، ۱۵ مضمون سازمان یافته و در نهایت با ۹۳ مضمون پایه ای به اشباع نظری رسیده است.

پس از برشورده و استخراج مضامین فراگیر، مضامین سازمان یافته و نیز مضامین پایه ای، در این قسمت به

ترسیم الگوی مفهومی شبکه‌ای برحسب مضامین فراگیر و سازمان‌یافته در زیر نمودار ۱ مبادرت می‌شود: نمودار ۱؛ الگوی مفهومی سیاست گذاری متناسب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی



نتیجه و پیشنهاد

پژوهش حاضر با هدف تدوین الگوی مطلوب سیاست گذاری متناسب با مؤلفه‌های فرهنگی- تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی آغاز شده است. پس از توصیف و تبیین سوابق نظری و بیان سوابق تجربی مرتبط با موضوع پژوهش، از روش کیفی و از نوع مصاحبه نیمه‌استاندارد با ۱۰ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران رشته‌های علوم سیاسی، سیاست گذاری عمومی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای دانشگاه‌های تهران و نیز تحلیل مضمون به‌منظور تحلیل داده‌های کیفی بهره‌جسته است. نتایج پژوهش نشان داد که الگوی سیاست گذاری مطلوب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی از شش مضمون فراگیر به شرح زیر تشکیل شده است:

۱- مضمون فراگیر اتخاذ رویکرد مناسب فرهنگی در سیاست گذاری خارجی (این مضمون خود از سه

مضمون سازمان یافته شامل: اثربخش بودن دیپلماسی فرهنگی، پذیرش و مشروعیت دیپلماسی فرهنگی و تغییر رویکرد موجود دیپلماسی فرهنگی است).

۲- مضمون فراگیر تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی (این مضمون خود از سه مضمون سازمان یافته شامل: توجه به عناصر مشترک فرهنگی، گسترش صنعت توریسم و توجه به ظرفیت های هنر و معماری است).

۳- مضمون فراگیر استفاده از ظرفیت های علمی و دانشگاهی (این مضمون خود از دو مضمون سازمان یافته شامل: تقویت روابط و تبادلات علمی، آموزشی و آگاهی بخشی دینی در سایه تولید محتوا است).

۴- مضمون فراگیر تقویت زبان و ادبیات فارسی (این مضمون خود از سه مضمون سازمان یافته شامل: نشر اندیشه ها از طریق ترجمه متون، توجه به ظرفیت های زبان و ادبیات و توجه به ظرفیت شعر فارسی است).

۵- مضمون فراگیر توجه به سیاست گذاری فرهنگی رسانه ای (این مضمون خود از دو مضمون سازمان یافته شامل: استفاده از ظرفیت فضای مجازی و جهت دادن به افکار عمومی به واسطه رسانه ها است).

۶- مضمون فراگیر تقویت عناصر مشترک دینی با تکیه بر وجوه اخلاقی آن (این مضمون خود از دو مضمون سازمان یافته شامل: ترویج قرائت رحمانی و اخلاقی از دین و توجه به هویت و اشتراکات دینی است). مضامین برشمرده و الگوی مفهومی ساخته شده سیاست گذاری فرهنگی در تناظر با تئوری دیپلماسی فرهنگی است. مبنی بر اینکه مبادله ایده ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی، سنت ها و اعتقادات در دست یابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت ها و کشورها نقش چشمگیری دارد. اما اینکه کدام یک از مضامین ساخته شده دارای اهمیت و اولویت هستند؛ خود مستلزم ارزیابی و برازش الگوی مفهومی سیاست گذاری فرهنگی است. امری که در مقال دیگر به آن پرداخته خواهد شد.

بنابراین با توجه به نتایج کیفی پژوهش حاضر می توان چنین گفت که ارتباطات نقش بزرگی در نزدیکی جوامع به طور عام و آسیای میانه به طور خاص بازی می کند. بنابراین با گسترش همه جانبه ارتباطات است که هم گرایی شکل می گیرد. در این بین هم گرایی فرهنگی به معنای تعامل و دادوستد جوامع در حوزه های مختلف فرهنگی است. این امر نیز زمانی تقویت می شود و تبعات مثبتی را به دنبال دارد که جوامع دارای قرابت ها و اشتراکات فرهنگی غنی نیز با یکدیگر باشند؛ بنابراین، با توجه به یافته های پژوهش کیفی حاضر، به نظر می رسد که چنین رابطه ای بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی در حوزه های مختلف تاریخی، زبانی، دینی و... وجود دارد و می توان با تکیه بر این نوع هم گرایی ضمن کاهش تنش های

احتمالی و تبادل فرهنگی در حوزه‌های مختلف دینی، علمی، هنری، ادبی و... با تهدیدهای مشترک از جمله اسلام‌گرایی افراطی نیز به مقابله برخاست. آن‌گونه که می‌ترانی در زیر نظریه هم‌گرایی گسترش شبکه‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی را مناسب‌ترین طریق برای مقابله با وضعیت بحران‌آمیز در منطقه (در اینجا جمله اسلام‌گرایی افراطی) می‌داند؛ بنابراین، با توجه به سوابق نظری مطروحه، هم‌گرایی را به‌عنوان یک فرایند تلقی کنیم، حرکت فرهنگی ایران با کشورهای آسیای میانه در قالب همکاری‌های فرهنگی نظیر: تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی، استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی، تقویت زبان و ادبیات فارسی، توجه به سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه‌ای و تقویت عناصر مشترک دینی با تکیه بر وجوه اخلاقی آن؛ باعث تقویت دیپلماسی فرهنگی خواهد شد؛ بنابراین، همان‌گونه که جان لنگزوسکی در زیر ابزارهای دیپلماسی فرهنگی برمی‌شمارد؛ توجه به عناصر و ابزارهای فرهنگی دیپلماسی فرهنگی را میان ایران و کشورهای آسیای میانه تقویت خواهد کرد. در این میان استفاده از قرائت رحمانی دین و توجه به دیپلماسی دینی با توجه به حضور ۴۲ میلیون مسلمان در منطقه آسیای مرکزی؛ می‌تواند ضمن تلطیف مناسبات دیپلماتیک به‌واسطه توجه به مسائل معنوی و اخلاقی، فضای امنی را برای نزدیکی و پی‌گیری منافع مشترک و پرهیز از تعارضات در منطقه مذکور فراهم سازد. امری که یافته‌های کیفی پژوهش حاضر نیز بر آن صحنه گذاشته است. در این رابطه پژوهش محمودی و لطیف‌اف (۱۳۹۴) نیز در توجه به عامل فرهنگی دینی در تحکیم روابط بین ایران و ملت‌های آسیای مرکزی تأکید داشته است. مضاف بر اینکه دیپلماسی فرهنگی دینی مانع از نفوذ قرائت اسلام‌گرایی رادیکال در میان شهروندان آسیای میانه به‌واسطه جریان نفوذ روحانیون وهابی می‌شود؛ آن‌گونه که مارتا بریل اولکاد (۲۰۱۴) در مطالعه خود به آن دست‌یافته است. علاوه بر آن، یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش دهشیری و جوزانی کهن (۱۳۹۲) مبنی بر اینکه اسلام‌گرایی افراطی به‌واسطه رسانه‌های سایبری توانسته است به جذب و آموزش افراد و ایجاد سلول‌های تروریستی در آسیای مرکزی مبادرت ورزد؛ همخوانی دارد؛ بنابراین، لازم می‌آید که به‌واسطه سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه‌ای به مقابله با تبلیغات اسلام‌گرایی افراطی در منطقه پرداخت. همچنین یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش حبیب اله ابوالحسن شیرازی (۱۳۹۶) مبنی بر نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین‌الملل و تأثیرگذاری عوامل فرهنگی بر دیپلماسی قرابت و همخوانی دارد؛ چراکه پژوهش حاضر نیز به تقویت و انجمن‌های هنری و ادبی در تحکیم روابط و دیپلماسی فرهنگی ایران با کشورهای آسیای میانه دست‌یافته است. درنهایت با توجه به برساخت الگوی مطلوب سیاست‌گذاری در این زمینه، می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه داد:

- ۱- نسبت به تغییر دیپلماسی هم‌گرایی اتخاذشده از سوی مسئولان ایران از دیپلماسی سیاسی و اقتصادی به دیپلماسی فرهنگی اقدامات مؤثری صورت گیرد؛ چراکه دیپلماسی فرهنگی به‌واسطه قرابت تمدنی ایران

با کشورهای آسیای مرکزی از اثربخشی و مشروعیت بیشتر برخوردار است.

۲- با توجه به عناصر مشترک فرهنگی در حوزه های مختلف (ادبیات، زبان و موسیقی) و ظرفیت گردشگری به تقویت مناسبات فرهنگی و تاریخی مبادرت ورزید.

۳- با استفاده از ظرفیت های علمی و دانشگاهی ضمن تقویت روابط و تبادلات علمی و آموزشی با کشورهای آسیای مرکزی به آگاهی بخشی دینی در سایه تولید محتوا و انتشار آن در قالب کتابچه ها و بروشورها، اجلاس های علمی مبادرت ورزید.

۴- از ظرفیت زبان و ادبیات فارسی به واسطه ترجمه متون و برگزاری محافل ادبی و برجسته نمودن اشعار نوع دوستی و انسان دوستی به تقویت دیپلماسی فرهنگی اهتمام ورزید.

۵- با برنامه ریزی در زمینه سیاست گذاری فرهنگی رسانه ای و خاصه استفاده از ظرفیت های فضای مجازی و شبکه های اجتماعی در راستای مقابله با تبلیغات اسلام گرایی افراطی گام های مؤثری برداشته شود.

۶- با توجه به ارائه تفسیر رادیکالی از دین از سوی اسلام گرایان افراطی در آسیای مرکزی می بایستی با تقویت عناصر مشترک دینی خاصه با تکیه بر وجوه اخلاقی آن نسبت به ترویج قرائت رحمانی و اخلاقی از دین اسلام اقدامات مؤثری صورت گیرد.

منابع

الف- منابع فارسی

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله، (۱۳۹۶)، *دیپلماسی فرهنگی و نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین‌الملل*، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۸.
- استراوس، آنسلم. کورین، جولیت (۱۳۸۵)، *اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی*، مترجم: بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
- بینقی، رضا، (۱۳۹۳)، *اتحادیه اروپا و سازمان همکاری اقتصادی آکو*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، کارشناسی ارشد رشته حقوق.
- حقیقی، رضا (۱۳۸۶)؛ *فرهنگ و دیپلماسی*، تهران، نشر المهدی.
- پور احمدی، حسین. عباسی، بهرام (۱۳۹۴)، *اقتصاد سیاسی بین‌الملل و ظهور و کارکرد داعش در خاورمیانه*، فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۳، صص ۹۱-۱۱۷.
- دوثرتی و فالتزگراف، (۱۳۹۱)، *نظریه‌های متعارض روابط بین‌الملل*، ترجمه: علیرضا طیب و وحید بزرگی، نشر، قومس.
- حسن‌خانی، محمد، (۱۳۸۴)، *دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها*، دانش سیاسی، شماره.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۷)؛ *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، جلد چهاردهم.
- سیف‌زاده، حسین، (۱۳۸۴)، *نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی و جهانی شده: مناسبت و کارآمدی*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- شیخ‌الاسلامی، محمدحسن، (۱۳۹۱)، *الگوی مذهبی در دیپلماسی فرهنگی عربستان: مورد کاوی سازمان رابطه العالم الاسلامی*، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره چهارم.
- صالحی امیری، سیدرضا و سعید محمدی. (۱۳۹۵) *دیپلماسی فرهنگی*. تهران، نشر ققنوس.
- عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰)، *تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روش ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی*، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰، صص ۱۹۸-۱۵۱.
- عزیزخانی، احمد، (۱۳۸۸)، *بررسی شاخص‌های بنیادگرایی مسیحی در آمریکا (بر مبنای اندیشه‌های لنو اشتروس)*، فصلنامه دین و سیاست، شماره ۱۹-۲۰، صص ۶۱-۸۸.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، مترجم: هادی جلیلی، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
- قوام، سیدعبدالعلی، (۱۳۸۴)، *روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها*، سمت.
- کاظمی، سید علی‌اصغر، (۱۳۷۰)، *نظریه هم‌گرایی در روابط بین‌المللی*، حربه جهان سوم، تهران، چاپ پیک ایران.
- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۴)، *ایران روسیه و چین در آسیای مرکزی تعامل و تقابل با سیاست خارجی آمریکا*،

تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.

- نوروزی، حسین، (۱۳۸۵)، روابط فرهنگی ایران و آسیای مرکزی، ماهنامه ایراس، شماره ۱۴.
- هادیان، ناصر واحدی، (۱۳۸۸)، جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی، فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال اول، شماره دوم.

ب- منابع روسی

- Чжоу Цзюнь Значение государств Центральной Азии в мировой политической системе, УПРАВЛЕНЧЕСКОЕ КОНСУЛЬТИРОВАНИЕ. № 3. 2017
- М.С. Тулеев, ЦЕНТРАЛЬНАЯ АЗИЯ: АФГАНИСТАН И СОВРЕМЕННЫЕ АСПЕКТЫ ГЕОПОЛИТИКИ, Вестник КРСУ. 2016. Том 16. № 6.
- Тараканова Тамара Сергеевна, Экономическое сотрудничество Китайской Народной Республики со странами Шанхайской организации сотрудничества, Санкт-Петербургский политехнический университет Петра Великого (Санкт-Петербург), УПРАВЛЕНЧЕСКОЕ КОНСУЛЬТИРОВАНИЕ. № 3. 2017.
- Международная конференция «Центральная Азия – главный приоритет внешней политики Узбекистана, Приветственное слово Спецпредставителя Генерального Секретаря ООН по Центральной Азии, Главы РЦПДЦА, Петко Драганова, Ташкент, Узбекистан, 11 августа 2017 г.

ج- منابع انگلیسی

- Amy Myers Jaffe, (1998), **“Unlocking the assets: Energy & The Future of Central Asia & the Caucasus”**, The James A. Baker III Institute For Public Policy of Rice University.
- Cummings, Milton C. (2003). **Cultural Diplomacy and the US Government: A Survey. Washington DC: Centre for Arts and Culture.**
- Dougherty James and Pfaltzgraff Robert (1971), **Contending Theories in International Relations**, Philadelphia, J.B Lippincott Company,
- Elvira Khakimova (2014), **“Cultural Policy in Central Asia: Comparative Analysis of Legislations and Public Policies”**, IMT Institute for Advanced Studies, Lucca
- Encyclopedia Britannica (2018), **“Central Asia”**. Retrieved From: <https://www.britannica.com/place/Central-Asia>.
- Martha Brill Olcott, **the roots of islam in Central Asia**, Carnegie endowment for international peace, 2007.
- Malone, Gifford D. (1988). **Political Advocacy and Cultural Communication:- Organizing the Nation's Public Diplomacy**, US: University Press of America.
- Munster, Anna. Bosch, Robert (2016). **“Growing Islamic Extremism in Central Asia**

and the Caucasus – Situation and Outlook”, 23-4.

- Ninkovich, Frank. (1996). **U.S. Information Policy and Cultural Diplomacy**. Foreign Policy Association.
- Haass, Richard n. **the new middle east**. foreign affairs November/december 2001
- Heathershaw, John & Montgomery W. David, **“The Myth of Post-Soviet Muslim Radicalization in the Central Asian Republics,”** Chatham House, The Royal Institute of International Affairs, 2015.
- Omelicheva. Mariya Y. (2017), **Instrumentalization of Islam in Central Asia: Using Religion for Legitimizing the Governing Regimes**, Euxeinos 23.
- Ohara, Sara (Summer 2000), **Central Asia and the Caucasus Review**, No. 30.
- Ruffin, M. Holt. Waugh, Daniel (2000), **“Civil Society in Central Asia”**, Center for Civil Society International, The -Central Asia-Caucasus Institute, Nitze School of Advanced International Studies, Johns Hopkins University.
- Scott Haas (2008), **“Central Asia: A Study of History, Society, Culture and its Affects on the Current Political and Economic Ideologies of Today’s Leaders”**, Hawaii Pacific University.
- Tariq Anwar, Jamia Millia Islamia (2016), **“Central Asia: An Historical Perspective”**, Journal of Arts, Humanities & Social Sciences”, OCT-DEC2016/VOL-3/ISS-4/A33
- Uuriintuya Batsaikhan, Marek Dabrowski (2017), **“Central Asia-Twenty Five Years After the Break of the USSR”** Russian Journal of Economics 3:296-320